خبرخوش

جهانی‌های جدید ایران

شهرها و روستاهای خلاق و هنردوست و هنرپرور کشورمان حالا یکی یکی مهر «جهانی شدن» دارد روی پیشانی‌شان می‌نشیند. این را می‌شود از روی آمار فهمید؛ از تعداد شهرها و روستاهای جهانی که حالا تعدادشان به ۱۴ رسیده است.

ده شهر و روستا طی سال‌های قبل استحقاق ورود به فهرست جهانی صنایع دستی را پیدا کرده بودند و چهار تای دیگر هم اواخر هفته گذشته.

این چهار شهر و روستای جدید شیراز، زنجان، ملایر و روستای قاسم‌آباد است که حدود یکی دو ماه پیش ارزیابان شورای جهانی صنایع‌دستی برای تهیه و ارسال گزارش نهایی از آنها بازدید کردند و ظاهرا قد و قامت آنها را برازنده پوشیدن جامه جهانی دیده‌اند.

علی‌اصغر مونسان، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی چند روز پیش این خبر را رسانه‌ای کرد و گفت: شیراز از استان فارس به عنوان شهر جهانی صنایع‌دستی، زنجان به‌عنوان شهر جهانی ملیله، ملایر از استان همدان به عنوان شهر جهانی مبلمان منبت و روستای قاسم‌آباد از استان گیلان به عنوان روستای جهانی چادرشب‌بافی در فهرست شهرها و روستاهای جهانی صنایع‌دستی قرار گرفته‌اند.

بر اساس آمار جهانی تاکنون ۴۸ شهر و روستا در دنیا به عنوان شهر یا روستای جهانی صنایع‌دستی به ثبت رسیده‌اند که ۴۰ شهر در منطقه آسیا و اقیانوسیه، شش شهر در آمریکای لاتین و دو شهر در اروپا هستند.

ایران با ثبت ۱۱ شهر و سه روستای جهانی، با مجموع ۱۴ عنوان شهر و روستای جهانی صنایع‌دستی، مقام نخست را در میان کشورهای جهان دارد. کشور چین با ثبت شش شهر و روستای جهانی صنایع‌دستی، مقام دوم را به خود اختصاص داده است. / جام‌جم دیلی

چهارمین جشنواره صنایع‌دستی فجر، امروز افتتاح می‌شود

سال‌هاست که ایام دهه فجر گره خورده به رویدادها و جشنواره‌های مهمی مثل جشنواره فیلم و تئاتر و موسیقی فجر. چند سالی می‌شود که یك جشنواره دیگر هم به این جشنواره‌ها اضافه شده؛ جشنواره صنایع دستی فجر که امسال چهارمین سال برگزاری آن است و به گفته معاون صنایع‌دستی کشور از امروز یعنی ۱۳ بهمن، در محل موزه ملی در گالری آثار اسلامی افتتاح خواهد شد. در جشنواره فجر صنایع دستی امسال بیش از ۲۵۰ اثری که از مجموعه آثار کل کشور جمع‌آوری شده، در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت و پویا محمودیان می‌گوید داوری پایانی این آثار که به دریافت سرو سیمین از جشنواره فجر صنایع‌دستی منجر خواهد شد، در مراسم اختتامیه فجر صنایع‌دستی برگزار می‌شود. فجر صنایع‌دستی اتفاقی است که از آن طریق افرادی که به این حوزه علاقه‌مند هستند در معرض آخرین دستاوردهای صنایع دستی از منظر خلاقیت، نوآوری، اصالت و حوزه کاربردی شدن صنایع‌دستی قرار بگیرند. / جام‌جم دیلی

گفت‌وگو با روحانی جوانی که با اجرای طرح‌های اقتصادی زمینه‌های اشتغال و آبادانی را در یك روستا به وجود آورده است

روزهای شیرین ازمیغان

مینا مولایی

ایران

می‌گویند ازمیغان بهشت است؛ بهشتی در ۴۵ کیلومتری شمال شرق طبس؛ روستایی سرسبز در دل برهوت کویر. می‌گویند خاك ازمیغان از طلاست، آنقدر که نخل‌های خرمایش همسایه شالی‌های برنج شوند؛ اتفاقی منحصر به فرد در کشاورزی که در کمتر نقطه‌ای مشابه اش را می‌توان دید. حجت‌الاسلام ادریس لطفیان، حالا یك سال است امام روستای ازمیغان شده. روحانی ۲۸ ساله‌ای که هم طلبه است و هم دکترای روان‌شناسی دارد و مدتی است اسم این بهشت را سر زبان‌ها انداخته؛ آنقدر که همه از حرکت نویی بگویند که به همت روحانی روستای ازمیغان در طبس شکل گرفته؛ حرکتی که نتیجه‌اش آبادانی و اشتغال بوده و حال خوب برای مردمی که حالا یك روحانی را همه جا و در همه حال شانه به شانه خودشان می‌بینند.

لطفیان و روستاییان ازمیغان نماز جماعت را سر مزرعه برگزار می‌کنند/ عکس: جام جم

یکشنبه‌های سبز

با کارآفرینان

همیاری و مساعدت حجت‌الاسلام ادریس لطفیان در ازمیغان حالا به اشتغال مستقیم بیش از ۵۰ نفر و اشتغال غیرمستقیم ۳۵ نفر در پرورش ماهی و ۶ نفر در مرغداری و ۱۲ نفر در حوزه گردشگری انجامیده است

از قم تا طبس بیشتر از ۷۰۰ کیلومتر راه است، چطور گذرتان به طبس افتاد؟

ماجرایش طولانی است. من چند سالی در عوارضی قم-تهران در مسجد اهل بیت حضور داشتم، آنجا یك مجموعه اقتصادی داشت که با فعالیت‌هایی که انجام دادیم تا ده برابر رونق پیدا کرد. بعد از دو سال من نتیجه همه این فعالیت‌ها و گزارش کارها را آماده کردم و برای عرضه خدمت حاج‌آقا قرائتی بردم، چون نماینده ایشان در این پایگاه بودم. با توجه به حرکت‌های مثبتی که انجام شده بود با خودم فکر می‌کردم که الان کلی از من تعریف و تمجید می‌کنند، اما حاج‌آقا همه این پرونده‌ها و گزارش کارها را کنار گذاشتند و گفتند اینها خیلی ارزشمند نیست.

چرا؟

اتفاقا این سوال را من همانجا پرسیدم و ایشان گفتند بقیه هم می‌توانند این کارها را انجام بدهند، اینها افتخار نیست و دقیقا هم لفظ افتخار را به کار بردند. من پرسیدم پس افتخار برای ما چیست؟ گفتند که شما جای پسر من هستی، اگر بخواهم شما را نصیحت بکنم می‌گویم که افتخار برای شما این است که بروی و در یك روستا به مردم خدمت کنی.

این ملاقات چه زمانی بود؟

تابستان ۹۷ و من از همان زمان نسبت به کار اداری ای که داشتم دلسرد شدم و این انگیزه را پیدا کردم که یك روستا را برای خدمت انتخاب کنم.

کار راحتی بود؟

سخت نبود اما کسی این موضوع را جدی نمی‌گرفت، واقعیتش این است که همه من را مسخره می‌کردند و می‌گفتند تو با این کار خوب و جای خوبی که مستقر هستی مگر دیوانه‌ای همه اینها را رها کنی و به یك روستا بروی. اما من تصمیمم را گرفته بودم و بالاخره به کمك قرارگاه پیشرفت و آبادانی که امام روستا جذب می‌کند به ازمیغان آمدم.

چه زمانی بود؟

اواخر دی ماه سال گذشته و الان یك سال و چند روزی می‌شود که اینجا هستم.

امام روستا دقیقا چه کار می‌کند؟

همان حکم روحانی‌ای را که دارد که سازمان تبلیغات به روستاها می‌فرستد و وظیفه‌اش پاسخگویی به نیازهای دینی و شرعی مردم منطقه و دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و فرهنگسازی و ... است.

خانواده‌تان مخالفتی نکرد؟

نه خوشبختانه همسر من واقعا با من در این مسیر همراه بود و با این‌که ایشان هم تجربه زندگی در روستا را نداشتند، اما به این مهاجرت معکوس رضایت دادند و ما اسباب‌کشی کردیم به ازمیغان و قرار شد دوسال اینجا بمانیم.

از روزهای اولی بگویید که به ازمیغان آمده بودید؟

در ابتدای ورودم سعی کردم با شورا و دهیار روستا رابطه خوبی برقرار کنم، چون روستا بر محور تصمیمات شورا و دهیاری می‌چرخد و همه اتفاقات خوب هم از این کانال رد می‌شود. بعد از این که این رابطه خوب و دوستانه شکل گرفت، مبنا را بر دوستی با مردم گذاشتم و گفتم برای این‌که در کارها پیشرفتی صورت بگیرد باید مردم جذب شوند و مشارکت کنند. اما همان زمان اتفاق افتاد که پایه و زمینه ساز محکم شدن این دوستی شد. همان موقع پدر من بیمار بود و به خاطر دیابت یکی از پاهایش را برای درمان قطع کردند، من همانجا برای سلامتی ایشان نذر کردم که به هر روستایی یك روز کامل در هر کاری که به کمك نیاز دارد، کمك کنم. اینجا هم شغل بیشتر مردم کشاورزی است و بعد از این بود که مردم دیدند که من یك روز با یکی از روستایی‌ها برنج می‌کارم، یك روز به یکی دیگر در کودکشی مزرعه کمك می‌کنم، یك روز کارگری می‌کنم، یك روز بنایی و خلاصه همه جوره در کنار مردم هستم.

حتما برایشان عجیب بود؟

بله کسی تا قبل از آن ندیده بود یك روحانی مثلا بیل بزند. اتفاقا اوایل مردم اصلا نمی‌گذاشتند من این کارها را انجام بدهم، مثلا بیل را از دستم می‌گرفتند و می‌گفتند برازنده شما نیست... من هم می‌گفتم که نذر کردم و ادای نذر واجب است و به کارم ادامه می‌دادم. خلاصه هر روز به یك نفر در این مدت کمك کردم و واقعا نتیجه این کمك‌ها را به شکل عجیبی دیدم.

چطور؟

ببینید من در عمرم منبر زیاد رفتم، کلی بحث‌های روان‌شناسی و جلسات اعتقادی و تبلیغی در شهرها و روستاهای مختلف داشتم اما در طول زندگی‌ام اینقدر که من با این نذر و این کار مردم را جذب کردم با کارهای دیگر موفق نشدم آنها را جذب کنم و تازه فهمیدم که جریان از چه قرار است؛ الان دیگر به این نتیجه رسیده‌ام که واقعا هیچ تبلیغی بهتر و بالاتر از خدمت به خلق نیست، چون مردم وقتی دیدند که از کار و تلاش حرف می‌زنیم، اول بیل دست خودمان است، و هیچ فاصله‌ای بین ما و آنها نیست و همین باعث شد که به ما اعتماد کنند.

فعالیت شما از کی سمت و سوی اقتصادی و کارآفرینی در روستا گرفت؟

من از وقتی که وارد ازمیغان شدم، دیدم که در این روستا و بقیه روستاهای اطراف، با توجه به قنات و آب‌های زیرزمینی که از نعمت‌های خدادادی این منطقه هستند، همه استخر پرورش ماهی دارند، حتی در خود ازمیغان در سال ۹۴، مردم ۶۰۰ میلیون وام روستایی گرفته بودند و استخر بزرگی برای پرورش ماهی احداث کرده بودند، اما این استخر فعالیتی نداشت.

و شما فکر کردید که برای توسعه روستا از این ظرفیت‌ها استفاده کنید؟

دقیقا همین‌طور است و برای رسیدن به این هدف اول خودم رفتم در کلاس‌های پرورش ماهی شرکت کردم و بعد به مردم آموزش دادم و در این کار شورا و دهیاری و خود مردم هم مشارکت کردند. در مرحله اول کار ما یك اردوی جهادی گذاشتیم و همگی استخرهایی را که بر اثر گذر زمان و بلااستفاده بودن، یك متر لجن گرفته بودند تمیز و برای پرورش ماهی آماده کردیم. بعد من گفتم که حالا ماهی از کجا بیاوریم چون در استان‌مان که اصلا بچه‌ماهی نیست و همه بچه‌ماهی‌ها را از مشهد یا شمال وارد می‌کردند اما من دیدم که در سیستان و بلوچستان که نزدیك‌ترین استان است ماهی وجود دارد و با صحبت‌هایی که انجام شد ۵۰ هزار قطعه ماهی گرمابی به طبس انتقال دادیم. ارزش این بچه ماهی‌ها حدود صد میلیون تومان بود که ما رایگان جذب کردیم و نه تنها مجموعه استخرهای روستای خودمان که بقیه روستاهای طبس را هم تحت پوشش قرار دادیم. برای غذای ماهی‌ها هم از طریق قرارگاه پیشرفت و آبادانی صحبت کردیم چون غذای ماهی گران بود، از خرماهای بلااستفاده که محصول بومی خود منطقه است، استفاده کردیم و از ترکیب این خرماهای آسیاب شده با گندم، یك غذای ترکیبی مقوی درست کردیم که رشد ماهی‌ها را دو برابر کرد و هزینه‌ای هم برای ما نداشت. ما تا الان دو تن ماهی برداشت کرده‌ایم و تا سال دیگر طبق پیش بینی‌ها تا حدود ۵۰۰ تن ماهی خواهیم داشت.

یك سال از آن دوسالی که قرار گذاشته بودید در ازمیغان بمانید گذشته، با توجه به دستاوردهایی که در این روستا داشتید، الان چه هدفی دارید؟

الان دیگر سقفی برای ماندمان مطرح نیست، چراکه ما برکت و لذت این حضور را به چشم دیده ایم و درست است که از نظر درآمد و ... شرایط قبلی را نداریم، اما واقعا افتخارمان این است که در یك روستا تغییراتی به‌وجود آورده ایم که به نفع مردم بوده و آنها را به زندگی در روستا دلگرم تر کرده است.

از اشتغال زایی تا طرح‌های گردشگری

همیاری و مساعدت حجت‌الاسلام ادریس لطفیان در روستای ازمیغان حالا به اشتغال مستقیم بیش از ۵۰ نفر و اشتغال غیرمستقیم ۳۵ نفر در پرورش ماهی انجامیده است، اما فعالیت‌های او در این روستا و روستاهای اطرافش فقط به این محوراقتصادی ختم نمی‌شود. توضیحات بیشتر را از زبان خودش بخوانید: «در روستا ما یك مرغداری داشتیم که ورشکست شده و خالی بود. من با سرمایه‌گذاران صحبت کردم و بالاخره یك سرمایه‌گذار را راضی کردم که این مرغداری را دوباره راه بیندازد و الان خوشبختانه این مرغداری هم فعال است و برای ۶ نفر در این فضا ایجاد اشتغال شده؛ به‌جز این به خاطر ظرفیت‌های گردشگری منطقه در مسیر رودخانه‌ای که از اینجا تا تخت عروس به عنوان یکی از جاذبه‌های گردشگری کشیده شده، ایستگاه‌های خدمات درست کردیم و ۱۲ نفر هم در این ایستگاه‌ها مشغول به کارند و موجی از امید به اشتغال در بین مردم با همین کارها به وجود آمده است.»

نتیجه همه این تلاش‌ها این بود که در نشست تشکیلاتی جهادگران قرارگاه پیشرفت و آبادانی سپاه در دوره شهید قاسم سلیمانی، حجت‌الاسلام لطفیان در بحث اشتغال در کشور به عنوان رتبه برتر شناخته شد.

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۵۸۸

جدول عادی

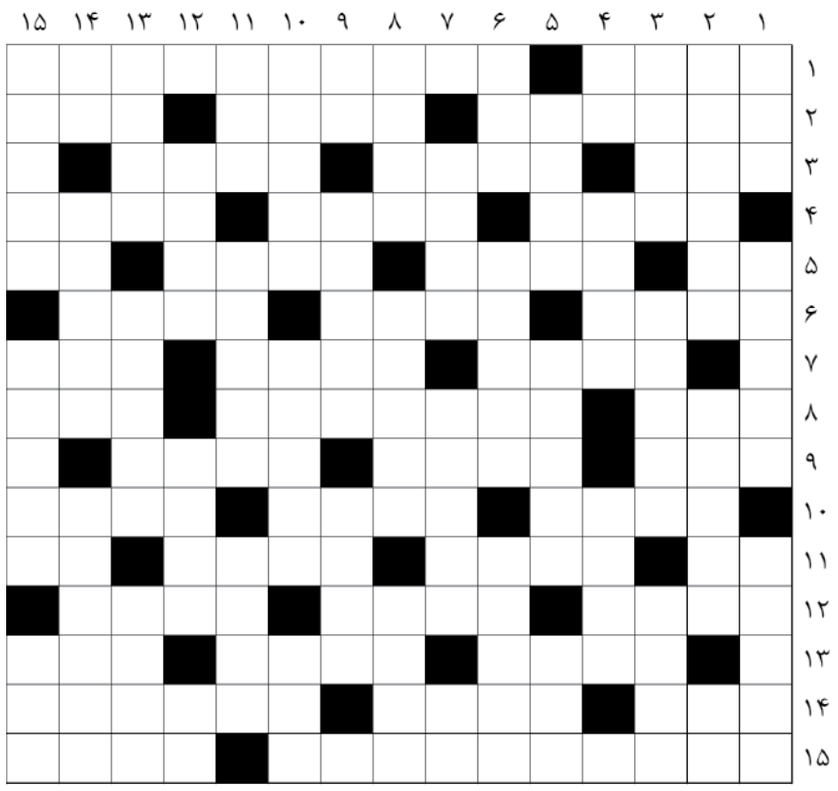

افقی: ۱) مظنون- از آثار عبدالرحمن جامی، شاعر قرن نهم ۲) آویزان کردن- فتنه- نخستین جنگ مسلمانان با کفار مکه ۳) کمند- نابودی- نیرنگ ۴) چشم دلفریب- رشته‌ای در شمشیربازی- سنگی زینتی ۵) چه کسی- کفش پاشنه‌دار قدیمی- برگشتن- تکرار یك حرف ۶) یك یك مردم- کمك- بسیار، زیاد ۷) شهر کباب- باعث و موجب- تنظیم صدای ساز ۸) بی‌سواد- مجموع پروتون‌ها و نوترون‌های موجود در هسته اتم- از اجزای درخت ۹) گور- وسط- الکتریکی ۱۰) رشوه دادن- مقابل گرسنگی- جانشینان ۱۱) اولین فلز شناخته شده جهان- زبانه آتش- فدراسیون جهانی بسکتبال- مکان ۱۲) ژاله- نانخورش- سربازی ۱۳) پیام‌آور قیام کربلا- اصطکاك- پارچه نوشته تبلیغاتی ۱۴) دشمن- اصطکاك- روستای زادگاه استاد شهریار ۱۵) بازیگر خانم مجموعه تلویزیونی از سرنوشت تولید شبکه دوی سیما- پارچه ابریشمی رنگین.

عمودی: ۱) اولین قوم ایرانی- شبکه تلویزیونی- شعله ور ۲) نوعی همخوانی آهنگین قرآن و دعا- حسابدار- ماه سرد ۳) هیزم- کوهی مشرف به سنندج- فرود آمدن ۴) مغز سر- گلی زینتی- غذایی از گوشت چرخ‌کرده و آرد نخود چی ۵) لقب پادشاهان روسیه بود- خلاصه‌گویی- نژاد، تبار ۶) گهواره- منطقه‌ای سردسیر در شمال روسیه- شانس ۷) قاره پهناور- غیر خدا- ضمیر انگلیسی ۸) اکنون- یاقوت سرخ- میوه‌ای شبیه شاه توت ۹) غذای رقیق- لازم و ضروری- دوستان نزدیك ۱۰) سخن تحقیرآمیز- بندری در هند- عریان ۱۱) پدر عرب- زشت و نفرت‌انگیز- عفو ۱۲) نماد- شیرینی فروش- رمزینه ۱۳) شهری در استان زنجان- پر جنب و جوش- بنا شده ۱۴) چوب خوشبو- سپاسگزار- پرهیز کردن ۱۵) مشغول- صمغ برخی درختان- بهره وام.

جدول ویژه

افقی: ۱) بخش میانی شلوار- کهنه و فرسوده ۲) بیماری مالاریا- آحاد- خط الرأس کوه ۳) اولین قوم ایرانی- سیخکی- طبقه‌ای از دوزخ ۴) شتر قوی‌هیکل- از نمازهای واجب- کلیسای قدیمی اصفهان ۵) شهری در جنوب فرانسه- به دریای خزر می‌ریزد- مادر اختراع است- گودال ۶) از اجزای پیراهن- تعجب- رنجش و آزردگی ۷) هیزم- آستانه- برخی در آن حمام می‌کنند ۸) علف- تناقض- خودروی فرانسوی ۹) نام شاعر معیری- گردهمایی کوتاه‌مدت و شبانه روزی- کرم خونخوار ۱۰) چاره‌اندیشی- خاموش- شکاك ۱۱) حایل میان دو چیز- راه رفتن کودکانه- خدای هندو- یك و دو ۱۲) موش خرما- روزها- مهربانی ۱۳) نویسنده فرانسوی اثر کاندید- پرتاب گلوله از تفنگ- رفیق مشهدی ۱۴) یك نفر- همان سانتی‌متر است- مطلوب ۱۵) دورانی از زمین‌شناسی پس از پرکامبرین- مجمع‌الجزایری در اقیانوس کبیر.

عمودی: ۱) مراسم سوگواری برای میت- کشاورز- از درجات نظامی ۲) نامی برای بلبل- هدایت شدن- ویتامین خونی ۳) پرخاش- پرتو ماه- شهری در جنوب اسپانیا ۴) کجاست- سست و بی‌بنیاد- پاکدامن ۵) نفت دریای شمال- به نرمی رفتار کردن- واحد قدیمی اندازه‌گیری وزن ۶) آزاد- اسب آزموده- لباس سنتی زنان ارمنستان ۷) مقیم- تکدیگری- جدید ۸) جهان- محفظه چند کشویی برای نگهداری لوازم- صلح ۹) قورباغه- یون منفی- مرد بی‌زن ۱۰) صداقت- نوعی التهاب پوستی- زاپاس ۱۱) گنجشك- پرهیزکاران- سخت و دشوار ۱۲) توله‌سگ شکاری- زیلوباف- ورم ۱۳) فدراسیون بین‌المللی شنا- همسایه الیگودرز و بروجرد- از میوه‌ها ۱۴) لنگه بار- دلواپس- تلاش و زحمت ۱۵) موسس سلسله مغول‌های ایران- گلوله خمیری- گوسفند قربانی.

حل جدول عادی شماره ۵۵۸۷

حل جدول ویژه شماره ۵۵۸۷